

نقد تند و شفاف محمد داوری از ناکارآمدی نظام آموزشی و بی عدالتی در فرصت های آموزشی و ظلم آشکار در عبور از سدکنکور

مدارس دولتی چه جایگاهی در پذیرش
آزمون سراسری دارند؟

سهم حداکثری مدارس حداقلی

گروه اجتماعی

زمان وزارت سید محمد بطحایی بر آموزش و پرورش، زمانی که اخبار وزارتخانه به صورت ضربتی در تویتر وزیر اعلام میشد و به دنبالش موج خبری به راه میانداخت، یکی از خبرها حذف امتحان ورودی مدارس «خاص» بود؛ «با فشار آزمونهای مداوم، فرصت کودکی و تمرین مهارت‌های لذتبخش زندگی را از کودکان گرفته‌ایم. گام نخست را برداشتیم. دانش‌آموزان ابتدایی از آماده شدن برای آزمون‌های تیزهوشان، نمونه دولتی و مدارس خاص رها شدند.» پس از چند روز بطحایی ناچار به گفتن این شد که حذف آزمون به معنای حذف مدارس سمپاد و استعدادهای درخشان نیست. مدارس خاص، در واقع مدارس متنوع و رنگ به رنگ در چهار دهه گذشته ریشه‌هایی عمیق در خاک آموزش و پرورش دوانده‌اند و حالا سال‌هاست که می‌توان ثمره‌ای را در نتایج کنکور سراسری دید.

نتایج آزمون سراسری سال 1400 اعلام و نام و چهره رتبه‌های برتر کنکور 1400 در رسانه‌ها منتشر شد. حالا نگاهی به فهرست مدرسه‌هایی که این رتبه برترها در آن درس خوانده‌اند، نشان از این دارد که در واقع مدارس دولتی جای درخشانی در میان رتبه‌های برتر ندارند و این مشتی نمونه خروار است. اصولاً مدارس دولتی تا چه اندازه در به سلامت راهی کردن دانش‌آموزانشان به سوی دانشگاه سراسری توفیق دارند؟

از میان 40 نفر برتر کنکور 1400 در گروه‌های آزمایشی مختلف 14 دانش‌آموز از تهران و 26 نفر از شهرستان‌ها هستند. خبرگزاری تسنیم فهرستی از مدارس این نمرات برتر به تفکیک رشته منتشر کرده است. در هر سه رشته این نام‌ها تکرار می‌شوند: دبیرستان تیزهوشان، دبیرستان غیردولتی، دبیرستان نمونه دولتی. بازی در دست نام‌های مشخصی است: دبیرستان غیردولتی دکتر حسابی، دبیرستان تیزهوشان علامه حلی، دبیرستان تیزهوشان شهید بهشتی سبزوار، دبیرستان تیزهوشان فرزنانگان، دبیرستان تیزهوشان شهید مدنی، دبیرستان غیردولتی علامه طباطبائی، دبیرستان تیزهوشان فرزنانگان، دبیرستان نمونه دولتی فرهنگ، مدرسه غیرانتفاعی نیکان و... نام‌های آشنایی که معمولاً رتبه‌های برتر کنکور از آنها برمی‌خیزند. اما در مورد سایر پذیرفته‌شدگان کنکور چه؟

کانال خبری تبیان پیش از اعلام رتبه‌های کنکور امسال اینفوگرافی خلاصه‌ای منتشر کرد تحت عنوان «رتبه‌های زیر 3 هزار کنکور از چه مدارسی بودند؟» در این نمودار که البته مرجع آمار آن مشخص نیست، نشان داده شده که نسبت دانش‌آموزان کلاس دوازدهمی مدارس دولتی 54 درصد کل دوازدهمی‌هاست و میزان حضور آنها در میان 3 هزار نفر اول کنکور حدود 10 درصد. همچنین اشاره شده که مدارس استعدادی درخشان 3.5 درصد از جمعیت کلاس دوازدهمی‌ها را دارند و 39 درصد از لیست 3 هزار نفر اول را تشکیل می‌دهند. این درصد در مورد مدارس غیردولتی 19 درصد است (هم به لحاظ نسبت جمعیت و هم نسبت حضور در میان 3 هزار نفر اول). در بخش دیگری از این نمودار آمده است که تهران 10 درصد جمعیت کلاس دوازدهمی‌ها را دارد و با این حال 35 درصد لیست 3 هزار نفر اول کنکور را تشکیل می‌دهد.

سازمان سنجش و آموزش و پرورش چنین آمار و ارقامی را ارایه نمی‌دهند و برای همین تایید صددرد داده‌هایی که تبیان اعلام کرده است (و اینکه آمار مربوط به امسال هستند یا سال قبل) امکان‌پذیر نیست، اما محمد داوری، معلم و عضو سازمان معلمان می‌گوید که حتی اگر چنین آماری حدودی هم باشند، برای او باورپذیر است. او به «اعتماد» می‌گوید: «با توجه به آمارهایی که سال‌ها قبل بوده و با توجه به اخبار و اطلاعاتی که داریم و حتی همین ترکیب نمرات برتر کنکور هم که بسنجیم این آمار قابل باور است.»

داوری برای توضیح اینکه چرا اسم و رسم مدارس غیردولتی، سمپاد و نمونه دولتی همیشه جای ثابت را میان رتبه‌های برتر و بعد هم میان کلیت پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها دارند، می‌گوید: «یکی از دلایل تراکم

استعدادهاي برتر در مدارس خاص است، وقتي اين تراکم در مدارس خاص بيشتر باشند، درصد قبولي کنکورشان هم طبيعاً بيشتر ميشود. نکته ديگر کيفيت آموزشي اين مدارس است و بعد هم استفاده‌شان از کلاسهاي تقويتي در کنار کلاسهاي عادي مدرسه. استفاده از دبيران خوب و برنامه‌هاي آموزشي بهتر را هم ميتوان به اين فهرست افزود.» مجموعه اينها يعني کنکور نميتواند تضمين‌کننده عدالت در گزينش باشد: «عدالت زماني معنا پيدا مي‌کند که عدالت در فرصتها وجود داشته باشد. همين تنوع مدارس يکي از بحث‌هايي است که انتقاد بسياري در موردش وجود داشته.»

مدرسه از همه رنگ

از حدود سه، چهار سال قبل که خبر ميزان تنوع مدارس در کشور خودش را در ميان گزارش مرکز پژوهشهاي مجلس و بعد برخي اعضاي کميسيون آموزش در دوره پيشين مجلس نشان داد، موضوع و وعده‌هاي مبني بر برچيدن اين تنوع و کمک به عدالت آموزشي هم هر از گاهي تکرار ميشود. عدالت آموزشي به نهايي البته شاه کلید اغلب صحبت‌هاي مسوولان آموزش و پرورش و نمايندگان مجلس و شوراي عالي انقلاب فرهنگي بوده است اما تکرار اين حرف تفاوتي در اين موضوع ايجاد نمي‌کند که از همان سه، چهار سال پيش معلوم شد که تعداد تنوع مدارس در اين کشور به بيش از 20 نوع مدرسه رسيده و هر نهاد و سازماني هم مرجع و منبع صدور مجوزي بوده که طبق تعاريف، شايد قانوني هم نباشند. سال 97 و پس از گزارش مرکز پژوهشهاي مجلس، سيدمحمدجواد ابطحي، نماينده کميسيون آموزش در مجلس دهم با اشاره به اينکه ميناي شکل‌گيري 22 نوع مدرسه موجود 7 مرجع مجلس، شوراي عالي اداري، شوراي عالي فناوري، شوراي عالي انقلاب فرهنگي، شوراي عالي آموزش و پرورش، شخصيت حقوقي وزير آموزش و پرورش و وزارتخانه و مجلس بوده‌اند، گفته بود: «اين از هم‌گسيختگي در تصميم‌گيري‌ها سبب به وجود آمدن شرايط کنوني شده است در حالي که همه مدارس بايد از آموزش و پرورش مجوز بگيرند. چنگانگي مدارس عدالت آموزشي را زيرسوال برده است. در پي اين تبعيض بودجه آموزشي کشور عادلانه تقسيم نميشود و برخي مدارس در محروميت مطلق به سر مي‌برند و برخي ديگر بودجه‌هاي کلان به آنها سرازير ميشود.»

محمد داوري هم مي‌گويد: شکاف اصلي ميان مدارس دولتي و غيردولتي به کنار، چنان در خود مدارس دولتي و غيردولتي هم انواع متفاوتي از مدارس وجود دارد که عملاً نشان از ريشه‌دار بودن بي‌عدالتي آموزشي پيش از کنکور است: «اينها نشان مي‌دهد که قبل از کنکور يعني در 12

سالي که دانش‌آموزان در سيستم آموزش و پرورش هستند، در شرايط عادلانه‌اي نيستند و از فرصت‌هاي برابر استفاده نمي‌کنند. بنا بر اين وقتي به کنکور که سدي است براي گزينش ميرسند، در واقع افراد با فرصت‌هاي نابرابر بايد در يك آزمون به صورت برابر شرکت کنند.» «تنوع مدارس از ميان برود و اين شعبده‌بازي کنکور جمع شود». به نظر او وقتي که کنکور به عنوان سد و گزينش اصلي محسوب نشود، هم بوجه خانواده‌ها به سمت تقويت دانش‌آموزان در زمان تحصيل در مدارس ميرود و هم تنها يك روز واحد در سال قرار نيست تعيين‌کننده سرنوشت فرد باشد. اين همان قراري است که شوراي عالي انقلاب فرهنگي از آن دم ميزند.

حسن روحاني در مقام رئيس شوراي عالي انقلاب فرهنگي، روز 15 تير 1400 مصوبه «سياست‌ها و ضوابط ساماندهي سنجش و پذيرش متقاضيان ورود به آموزش عالي (پس از پايان متوسطه)» را ابلاغ کرد. يکي از بندهاي آن مصوبه اين است که «براي پذيرش از سال تحصيلي ۱۴۰۲ و بعد از آن، سهم نمره کل سابقه تحصيلي، با توجه به سابقه تحصيلي موجود و مرتبط، ۶۰ درصد با تاثير قطعي در نمره کل نهايي و مابقي ۴۰ درصد سهم آزمون اختصاصي خواهد بود.» هرچند نمي‌توان نسبت به تاثير اين بند از مصوبه در اجراي عدالت آموزش چندان مطمئن بود. برخي منتقدان به نقش سوابق تحصيلي مي‌گويند که با پياده شدن اين مصوبه، اهميت حضور در مدارس خاص هم بيشتر ميشود و هزينه‌اي که بابت کتاب‌ها و کلاس‌هاي کنکور ميشد حالا بايد در طول ساليان تحصيل و با حضور دوباره موسسات کمک آموزشي، در سال‌هاي مختلف تحصيلي دانش‌آموزان خرج شود.

جان نداشته مدارس دولتي

اوایل مرداد ماه نصرت‌الله فاضلي، معاون اسبق وزارت آموزش و پرورش با ارجاع به تحقيقي که در مورد نتايج کنکور سال ۹۹ انجام شده بود به ايسنا گفت: «از هر ۴۰۰ دانش‌آموز تحصيلکرده در مدارس تيزهوشان، ۵۸ نفر رتبه زير ۳۰۰۰ کسب کرده بودند که اين آمار در مدارس دولتي، يك نفر در هر ۴۰۰ نفر بوده است. بيش از ۷۰ درصد جمعيت دانش‌آموزان سال دوازدهم داوطلب کنکور، در مدارس دولتي درس خوانده‌اند، اما درصد موفقيت آنها در کنکور براي کسب رتبه زير ۳۰۰۰ حدود ۳۰ درصد است.» هر قدر هم که تير نقد به سوي خاص‌گرایی و تنوع مدارس و جداسازي دانش‌آموزان بر اساس هوش و طبقه اجتماعي اقتصادي باشد، باز هم نمي‌توان نادیده گرفت که اين آمارها نشان از

این دارد که مدارس دولتی هم دیگر به نظر دستاورد قابل عرضه‌ای ندارند، به خصوص برای دانش‌آموزان‌شان.

داوری هم با تایید این نکته می‌گوید: «آموزش و پرورش باید مدارس دولتی عادی را تقویت کند و در این تردیدی نیست اما تا اطلاع ثانوی این نظام آموزشی متراکم، فرسوده و ناکارآمد توان تقویت آموزش و تربیت را در مدارس عادی دولتی ندارد.» همان قصه قدیمی بودجه پیش می‌آید و نبود نیروی انسانی کافی. وقتی هم که صحبت از نیروی انسانی می‌شود باید به یاد بیاوریم که در مورد معلمان صحبت می‌کنیم که به حضورشان جلوی وزارت آموزش و پرورش، ادارات کل آموزش و پرورش در شهرستان‌های مختلف و البته جلوی مجلس شورای اسلامی عادت کرده‌ایم. معلمان که هر بار به دنبال احقاق یکی از حقوقی هستند که از آنها دریغ شده یا نیروهایی که جزو بدنه رسمی آموزش و پرورش نیستند و به دنبال استخدام می‌گردند: «يك نظام آموزشي متمرکز، سیاست‌زده، ایدئولوژی‌زده، بدون فضا و تجهیزات با معلم‌های کم‌انگیزه و درمانده در مسائل معیشتی خودشان، چگونه می‌تواند مدارس دولتی را تقویت کند؟ وقتی توانستیم به معلم بگوییم که ما به اندازه کافی به تو حقوق می‌دهیم و دیگر نمی‌توانی کم‌کاری کنی، می‌توانیم در این راه پیشرفت کنیم.»